

شهید حسین صافی



سازمان جامع سرواران و هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	عباس
تاریخ تولد	۱۳۴۸/۰۴/۰۵
محل تولد	بوشهر - کنگان
تاریخ شهادت	۱۳۶۰/۰۹/۰۸
محل شهادت	بستان
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	پنجم ابتدایی
مدفن	ریز

زندگینامه

شهید حسین صافی، خردسال‌ترین شهید استان بوشهر در ۱۲ سالگی به آرزویش که شهادت در راه اسلام بود، رسید.

شهید حسین صافی در سال ۱۳۴۸ در خانواده‌ای فقیر، تهیدست، مذهبی و صاحب کمال و فضل و ادب در روستای دره‌بان از توابع بخش ریز در شهرستان جم دیده به جهان گشود.

* شهید صافی در خانواده‌ای مذهبی و صاحب کمال به دنیا آمد

جد ایشان مرحوم حاج شیخ محمدحسین صافی از علما و فضایی به نام منطقه و مردم آن روزگار برای فراگیری علم و دانش و معرفت دینی از اطراف و اکناف به مقدمش می‌شتافتند و از خرمن دانش وی خوشه‌چینی می‌کردند؛

وی مسلط بر ادبیات فارسی و عرب است و آثار مکتوبی با خط بسیار زیبا بر جای گذاشته است که در دست

گردآوری و چاپ است و شاعری چیره‌دست، توانا و ماهر بوده و اشعاری بسیار زیبا سروده است و از نوحه‌ها و

مرثیه‌های ایشان در مراسمات محرم و صفر و در مجالس روضه‌خوانی استفاده می‌کنند و اخیراً یکی از کتاب‌های

ایشان به نام اشعار گلزار و سفرنامه حج ایشان به چاپ رسیده و اینک موجود است.

پدر شهید صافی نیز دارای کمال معرفت و به لباس علم و تقوی مزین بوده و از اساتید بنام قرآن بوده و مردم

روستا از سال‌های دور برای تعلیم و فراگیری قرآن از محضرش استفاده می‌کرده‌اند.

* شهید صافی در هشت سالگی قرآن را به طور کامل تلاوت کرد

شهید صافی از همان دوران کودکی در نزد خانواده مذهبی، تعلیمات دینی و اسلامی را فرا گرفت و در سن هشت

سالگی قرآن را به طور کامل و صحیح تلاوت می‌کرد؛ وی از دوران کودکی صاحب اخلاق اسلامی و مذهبی و

رفتاری شایسته و پسندیده بود و همین خصوصیات شهید باعث شده بود که نظر تمام مردم را به سوی خود جلب

کند؛ در سن هشت سالگی بر اثر ذوق و علاقه سرشاری که نسبت به فراگیری علم داشت پدرش در سال ۱۳۵۵ او را

به دبستان دانش روستای دره‌بان که بعد از شهادت ایشان به نام دبستان شهید صافی نامگذاری شد ثبت‌نام کرد؛ در

مدرسه از لحاظ اخلاق و رفتار مورد تحسین اولیا و مربیان بود و برای دانش‌آموزان الگو و سرمشق بوده و در

زمینه‌های درسی یکی از زبده‌ترین دانش‌آموزان بودند.

* همواره علیه رژیم طاغوت راهپیمایی می‌کرد

با آغاز تظاهرات‌ها علیه نظام شاهنشاهی، حسین نیز به همراه پدر و پسر عمه‌هایش یعنی شهیدان شیخ حسین و

شیخ حسن شهابی که از ظلم‌ستیزان و پیشگامان بیداری مردم شهرستان جم بودند و هنوز طنین صدا و کلام آنان

بر منبرها، مجالس و محافل به گوش می‌رسد در تظاهرات‌ها شرکت می‌کردند و همیشه در مساجد حاضر بودند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری بت‌شکن دوران و ابراهیم زمان حضرت امام خمینی (ره) شهید صافی در

بسیج ثبت‌نام کرد؛ او شب‌ها را به نگهبانی در بسیج مشغول بودند و روزها به درس و مدرسه می‌گذرانند و در

ایام تعطیلات مدرسه روزها را برای امرار معاش به کارگری مشغول بودند.

* در ۱۲ سالگی به آرزویش که شهادت بود رسید

ایشان به شهادت علاقه وافری داشتند و از آنجا که نوجوانی با جرأت و نترس بود برای رفتن به جبهه داوطلب شد و

با گروهی از برادران و دوستانش راهی جبهه‌های حق علیه باطل شدند؛ برای ایشان زندگی کردن بر روی گره

خاکی معنا و مفهومی نداشت و همیشه جمله «کونوا لظالم خصما و للمظلوم عوناً» بر زبان داشت؛ وی با اعزام به

جبهه در عملیات حصر آبادان شرکت کرد و با پیروزی برگشت و باز هم نتوانست دور از جبهه زندگی کند و

دل‌بستگی خاصی بین او و جبهه بود؛ در نگاه پر نفوذش هزار راز و رمز نهفته و به افق دور دست همیشه نگاهش

مجسم بود؛ برای دومین مرحله عازم جبهه‌های نبرد شد و سرانجام به آنچه فکر می‌کرد و آرزویش بود و با گلولی

بریده شده (بر اثر ترکش خمپاره) سرافرازانه در تاریخ ۷/۹/۱۳۶۰ و در سن ۱۲ سالگی در جبهه بستان و در

عملیات طریق‌القدس به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

وصیت نامه

***وصیتنامه شهید صافی**

نگذارید فرزند پیامبر(ص) غریب و تنها واقع شود

بعد از ۱۴۰۰ سال یکبار دیگر ندای حق از مشرق زمین از حلقوم فرزندی از فرزندان پاک پیامبر و از سلاله مطهر حضرت زهرا (س) در جهان طنین انداز شد، برادران و خواهران عزیزم اینک من و شما در پیشگاه خداوند مورد آزمایش قرار گرفته‌ایم؛ نگذارید یک بار دیگر فرزند پیامبر(ص) غریب و تنها واقع شود؛ برادران و خواهران عزیزم من به عنوان سربازی کوچک بر خود واجب می‌دانم به فرمان امام عزیزم به جبهه‌های حق علیه باطل بشتابم و تا آخرین قطره خون بر علیه متجاوزین به میهن اسلامی مبارزه کنم و شما نیز این فرمان را لایک بگوئید و راه شهادت را ادامه بدهید تا فردای قیامت در پیشگاه خداوند و شهدا سرافکنده نباشید.

***نگذارید ضد انقلاب از گریه شما سو استفاده کنند**

اما پدر و مادر عزیزم اگر من شربت شیرین شهادت را نوشیدم مرا حلال کنید و نگذارید ضد انقلاب از این گریه شما سو استفاده کنند، بلکه شاکر به درگاه خداوند باشید که این قربانی کوچک را از شما پذیرفت و سلام مرا به همکلاسی‌هایم برسانید و بگوئید حسین نگذاشت امامش تنها بماند و شما نیز نگذارید امام عزیزمان تنها بماند، او را یاری کنید و به جبهه بروید و بر علیه مزدوران مبارزه کنید و اگر شهید شدید که همیشه زنده می‌مانید و اگر شهید نشدید به درس و مشقتان برسید؛ چون اسلام به فراگیری علم و دانش تأکید کرده است و پیام شهدا را به نسل‌های آینده منتقل کنید و نگذارید شرق و غرب در زمینه‌های علمی و فرهنگی از شما جلو برفتند.

***خواهرانم حضرت زینب(س) را الگوی خود قرار دهند**

به خواهران عزیزم سفارش می‌کنم که حضرت زینب(س) را الگو و سرمشق خود قرار دهند و حجاب اسلامی را رعایت کنند که سعادت دنیا و آخرت در گرو همین اعمال است و به برادرانم توصیه می‌کنم که به پدر و مادرم احترام و آنها را یاری کنند و راهم را ادامه دهند.

ضمناً اگر شهید شدم پدر و مادرم مرا در جوار شهدا دفن کرده تا آنان مرا نیز شفاعت کنند.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران